

جنگ نظام آباد

ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی

کدخدای نظام آباد قزوین که مردی مدبر و مدیر و صاحب نفوذ بوده فوت میکند و برسر جانشین وی گفتگوهائی بین سرجنابان و متنفذین و خانواده‌های مهم آبادی جریان داشته و نامزدهائی عرضه شده‌اند - هر نامزد دسته و قبیله‌ای داشته و برضد دسته مقابل تحریکاتی میشده و در نتیجه طی چند ماه چند منازعه کوچک و جرح‌های جزئی اتفاق می‌افتد و هر بار پرونده‌های در ادارات انتظامی و ضباط دادگستری و خود دادگستری قزوین تشکیل میگردد و مأمورین محل بمحل می‌آیند ولی اهمیتی بموضوع نمیدهند.

تا اینکه دستجات نامزدهای کدخدائی بصف آرائی مشغول میشوند و ستادهائی در منازل خود محرمانه تشکیل میدهند و برای جنگ تدارک می‌بینند مدتی به تراش نیزه و تهیه چوب و چماق و قمه و قداره و زره و کلاه خود و شمشیر و تفنگ و اسلحه کمری و قلاب سنگ و چیزهائی دیگر که من نام آنها را نمی‌دانم و هم اکنون نمونه‌های این تجهیزات که از صدها عدد تشکیل میشود در موزه جنائی مرکز موجود است اقدام میکنند و در خانه‌ها ذخیره مینمایند.

زن‌ها هم بی‌کار نمی‌نشینند آنها هم به گردآوری سنگ و خاکستر و شن و ماسه و پاره آجر می‌پردازند و بام‌های خود را از این گونه چیزها پر مینمایند تا اینکه در سپیده دم یکی از روزهای اسفند ماه سال ۳۵ تمام محل از مرد و زن پیر و جوان عارف و عاسی خرد و کلان در آن واحد بهم میریزند و جنگی حقیقی در داخل کوچه‌ها و خانه‌ها جریان می‌یابد.

در حدود چهارده ساعت جنگ در کمال شدت ادامه می‌یابد خون و آتش و دود آبادی را فرا میگیرد نعش‌ها بروی زمین نقش می‌بندند مجروحین ناله می‌کنند عده‌ای کشته جمعی متواری و تعدادی مجروح میشوند - آنگاه نوبت باتش زدن منازل و غارت اموال میرسد.

جریان جنگ طوری بوده که تمام روز را مسافرین و ماشین‌های قزوین به رشت و رشت به قزوین کنار آبادی می‌ایستند و بتماشای این منظره وحشت آور می‌پردازند تا اینکه پس از غروب عده‌ای ژاندارم بمحل میرسند و بر اثر شلیک هوائی و نیز تاریکی هوا و خستگی جنگ آوران محیط آبادی در سکوت مرگ بار فرو می‌رود.

اکنون بازماندگان کشتگان و خود مجروحین و بالاخره آنچه از مردم آبادی باقی مانده‌اند بی‌ای میز محاکمه فرا خوانده شده‌اند و در قزوین و دادگاه استان مرکز دادرسی جریان دارد.

جنگ نظام آباد

اما قانون مجازات ماده‌ای که باین واقعہ تطبیق کند ندارد و دادگاه و دادستان ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی را که ناظر بر منازعه بین چند نفر است مجوز تعقیب ذکر نموده اند .

بنظر اینجانب باید هرچه زودتر در مورد این گونه زد و خوردها و منازعات و نبردهای محلی و عشیره‌ای قانون خاصی مشتمل بر فصول و مواد فراوان به پارلمان تقدیم شود .

که تمام ادارات هر محل و مخصوصاً اداره دادگستری و ضابطین عدلیه را مسئول امنیت محل قرار دهد و برای پیش‌گیری از وقوع چنین اتفاقاتی مقررات شدیدی پیش‌بینی نمایند و برای محرکین و شرکت‌کنندگان نیز مجازاتی متناسب مقرر دارند .

زیرا که ماده ۱۷۵ را که ناظر بر منازعه چند نفر در یک میخانه یا یک مرکز فساد و یا بر سر تقسیم چند سنگ آب است نمی‌توان به جنگی که بین یک قصبه یا مردم یک آبادی یا عشیره‌ای واقع میشود سرایت داد .

بعلاوه مأمورین دولت عموماً و عمال دادگستری خصوصاً باید مکلف و موظف باشند مرتباً از امنیت محل مراقبت کنند و بمحض استحضار از کوچکترین دسته‌بندی برای جلوگیری از وقوع نزاع بفوریت و با شدت اقدام نمایند .

اگر باخبر جرائد از سال پیش باینطرف مراجعه نمائیم در می‌یابیم که پس از جنگ نظام آباد از این نوع منازعات شدیدتر و بدتر در محل‌های دیگر رخ داده که در همین ماه خرداد جنگ لاهیجان و در تیرماه جنگ قهفرخ نمونه‌ای از آن است .

ما و کلاء و شما قضات از مسئولین اولیه حفظ ملت خودمان از ناامنی‌ها هستیم و اگر بنا باشد باین مرض مهلک توجهی نشود و سالی چند بار از این قبیل نبردها رخ دهد رفته رفته شیرازه امنیت از هم گسیخته میشود و نصف مردم با این مرض ناامنی بی‌سر و صدا از بین می‌روند و روستاها خرابه و روستائیان متواری میشوند پس ما نباید با این میکروب خطرناک با ذره بین منازعه چند نفری نگاه کنیم بلکه باید پزشکی قضائی و تقنینی دارو را درخور درد تجویز نماید .